

«جاسوسان» روسیه در آمریکا چه کسانی بودند؟

یازده نفری که توسط آمریکا به جاسوسی برای روسیه متهم شده‌اند، بیشترشان یک زندگی معمولی آمریکایی داشتند، مشغول کسب و کار خود بودند و در مناطق حومه شهری زندگی می‌کردند

سرویس روسیه/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس روسیه : روزنامه های غربی عکس های این زن موقرمز چشم سبز را بارها و بارها چاپ کرده اند...

یازده نفری که توسط آمریکا به جاسوسی برای روسیه متهم شده اند، بیشترشان یک زندگی معمولی آمریکایی داشتند، مشغول کسب و کار خود بودند و در مناطق حومه شهری زندگی می کردند.

به گزارش فردا، سایت خبرگزاری بی.بی.سی به عنوان مثال، به دونالد هیتفیلد، که توانسته بود یک شرکت بریتانیایی را برای سرمایه گذاری تجاری قانع کند معرفی کرده است.

آنا چپمن در ویدیویی در سایت یوتیوب، خود را یک متخصص تازه کار خوانده که به دنبال برقراری ارتباط با جوانان حرفه ای در نیویورک و مسکو است.

روسیه تایید کرده است که تعدادی از این مظنون ها تبعه این کشور بوده اند، اما جزییات چندانی از طرف مسکو در این باره منتشر نشده است.

بی.بی.سی به ادعای خود شرح حال بعضی از این افراد را گرد آوری کرده است:

آنا چپمن

روزنامه های غربی عکس های این زن موقرمز چشم سبز را که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، بارها و بارها چاپ کرده اند.

بنا بر شرح حالی که سایت اینترنتی روسی لنتا از او تهیه کرده، آنا چپمن یک زن مطلقه 28 ساله و دختر یک دیپلمات روسی است که تحصیلات تکمیلی خود را در شهرهای

ولگوگراد و مسکو انجام داده است.

او بعد از سفر به نیویورک از مسکو در فوریه سال 2010 تلاشی برای پنهان کردن تبار روسی خود نکرد و گفت که می خواهد یک شرکت کارپایی با هدف جذب استعداد های جوان در هر دو شهر تاسیس کند.

پیش از آن به گفته خودش طی پنج سال زندگی در بریتانیا در یک شرکت مالی کار می کرده است.

آنا چپمن در نیویورک در نزدیکی وال استریت، مرکز تجاری شهرخانه گرفت و در شبکه های اجتماعی اینترنتی مانند فیس بوک به معرفی مهارت های خود و برقراری تماس با شرکت ها مشغول شد.

در یکی از صفحات شخصی اش، چپمن به عنوان یکی از مسئولان یک شرکت معاملات املاک معرفی شده است.

در یکی از ده ها عکسی که از خانم چپمن منتشر شده، او در سمپوزیوم فن آوری جهانی دانشگاه استنفورد، که هزینه شرکت در آن 1000 دلار برای هر نفر است، با یک گیلان شراب به دست بین دو مرد ایستاده است.

دیوید هارتمن، یکی از همکاران او در بازار املاک نیویورک او را فردی «خوشایند، بسیار حرفه ای و با رفتاری دوستانه» توصیف کرده است.

کریستوفر متسوس

54 یا 55 ساله و شهروند کاناداست و تنها متهمی است که خارج از آمریکا دستگیر شده است. کریستوفر متسوس با درخواست پلیس بین الملل، در تاریخ 29 ژوئن در حالی که می خواست سوار هواپیمایی به مقصد بوداپست شود، توسط پلیس قبرس دستگیر شد.

یک دادگاه محلی او را با سپردن وثیقه ای معادل 32 هزار و 500 دلار آزاد کرد تا منتظر برگزاری دادگاهش در تاریخ 29 ژوئیه بماند.

تحویل گذرنامه معرفی هر روزه به اداره پلیس از شرایط آزادی آقای متسوس با قید وثیقه بود. اما او در تاریخ 30 ژوئن خود را به پلیس معرفی نکرد و بعد از آن اعلام شد که مفقود شده است.

دادستان های آمریکا او را به عنوان تامین کننده مالی این حلقه جاسوسی معرفی کرده اند و گفته اند که از سال 2004 برای تحویل پول نقد به اعضای این گروه به آمریکا سفر می کرده است.

سایت روسی لنتا او را به عنوان «مرموزترین شخصیت داستان» معرفی کرده است.

سینتیا مورفی

این دونفر در منزل خود در نیوجرسی دستگیر شدند. دادستان های آمریکا، این زوج را شهروند آمریکا معرفی کرده اند.

بنا به گفته آنها ریچارد مورفی متولد فیلادلفیا است و از اواسط دهه 1990 میلادی در آمریکا ساکن بوده است.

همسایه های این دو نفر سینتیا را با عنوان مشاور مالی یک شرکت می شناختند که هر روز به منتهن می رفته و ریچارد، به گفته آنها پدر خانه داری بوده که «به نظر تنبل» می آمده است.

آنها با دو دختر کوچکشان در خانه ای دوطبقه در خیابانی آرام زندگی می کردند.

زمانی که خبرنگار شبکه ABC بعد از دستگیری آنها به محل زندگی شان رفت، یک نسخه روزنامه فایننشال تایمز را روی چمن های خانه و یک خودرو هوندا سیویک سبز را پارک شده در کنار خانه آنها دید.

به گفته الیزابت لپین، همسایه خانواده مورفی، سینتیا «با همه، بدون استثنا سلام و احوال پرسی می کرد.»

خانم لپین می گوید: «او زمان زیادی را صرف رسیدن به سر و وضعش نمی کرد، ولی چهره ای زیبا و دوست داشتنی با آرایش اندک داشت.»

مارگو سوگولو، همسایه دیگر آنها هم می گوید که دختران خانواده با دیگر بچه های محل بازی می کردند.

به گفته او «آنها با دوچرخه های صورتی رنگ در محل بازی می کردند.»

دونالد هیتفیلد و تریسی لی آن فولی

هر دو حدود چهل سال سن داشتند و با دو فرزند نوجوان در شهر کمبریج ایالت ماساچوست، منطقه ای که دانشگاه های MIT و هاروارد در آن واقع شده، زندگی می کردند.

زن و شوهر شرکای تجاری در موسسه تحقیقات فن آوری تک کست بودند. همچنین هر دو عضو هیئت مدیره بنیاد لایف بوت، یک سازمان غیر انتفاعی برای تشویق پیشرفت

های علمی بودند.

رافائل رامیرز، از مجمع آیندگان آکسفورد به بی.بی.سی گفته که به صورت مرتب با آقای هیتفلد تماس کاری داشته است. به گفته آقای رامیرز «او خود را سرمایه گذار آمریکایی معرفی می کرد که تلاش داشت در سطح بین المللی فعالیت کند.»

آقای رامیرز می گوید: «با من خیلی در اشتباه بودم یا او با مهارت فوق العاده ای جاسوس بودن خود را پنهان می کرد.»

دیوید بوکابیندر، که با دونالد هیتفیلد روابط کاری داشت درباره او می گوید: «وقتی به گذشته نگاه می کنم می بینم امکانش وجود دارد. اگر قرار بود از میان آدم هایی که با آنها همکار بودم یک نفر را انتخاب کنم، خود او بود. چون خیلی خوددار بود و بسته بود.»

دادستان های آمریکایی گفته اند که خانم فولی کانادایی بوده و با گذرنامه جعلی بریتانیایی سفر می کرده است.

ویکی پلانز و خوان لازارو

ویکی پلانز 55 ساله و متولد پرو به عنوان روزنامه نگار در یک روزنامه اسپانیایی زبان در نیویورک کار می کرد.

او به نقد سیاست های دولت آمریکا در مقالاتش مشهور بود.

طی سال های 1980، نام خانم پلانز در یک شبکه تلویزیونی در پرو به دلیل شیوه تهاجمی گزارش نویسی اش مطرح شد.

به گفته دادستان های آمریکایی، آقای لازارو یک شهروند پرو است که در اوروگوئه به دنیا آمده، اما از زبان او درخانه اش شنیده شده که گفته «وقتی جنگ شروع شد، به سیبری خواهیم رفت.»

جاناتان کرول، مردی که این دو نفر را می شناخت، آنها را زوجی معرفی کرده که «همسایه های معمولی خوبی» بودند.

آقای کرول می گوید او شنیده که خوان لازارو خود را استاد اقتصاد معرفی می کرده است.

والدو ماریسکال، پسر بزرگ سال آقای لازارو گفته که مادرش بیگناه است و پرونده جاسوسی را «مضحک» خوانده است.

مایکل زوتولی و پاتریشیا میلز

مایکل زوتولی و پاتریشیا میلز در خانه ای که با پسر نوزادشان زندگی می کردند، در آرلینگتون ویرجینیا دستگیر شدند.

آنها بعد از ثبت نام در یک رشته اقتصادی در دانشگاه واشنگتن از سیاتل به این منطقه آمدند.

سلسنت آردل، یکی از همسایه های آنها می گوید که به نظر او «آن ها روس بودند، چون لهجه روسی داشتند.»

روزنامه سیاتل تایمز گزارش داده است که این زوج «با مهارت موفق شدند که خود را به عنوان یک زوج جوان سیاتلی خیلی معمولی که زندگی خود را وقف فرزندشان کرده اند، جا بزنند.»

آقای زوتولی در محل کارش که یک شرکت مخابراتی در سیاتل بود به عنوان «شخصی غرغرو و حواس پرت» شناخته می شد.

سیاتل تایمز می نویسد که «به نظر همکاران آقای زوتولی، او در محل کار مرتب با تلفتن همراهش صحبت می کرد.»

خانم میلز، به نوشته این روزنامه، زن خانه داری بوده که «از سیگاری های طبقه پایین و همسایه های بالایی که زیادی به گل ها آب می دادند، شاکی بوده است.»

مایکل سمنکوی جوان هم مانند آنها چپمن، تلاشی برای پنهان کردن ملیت روسی خود نمی کرد.

او هم مانند خانواده میلز ساکن آرلینگتون بود و گفته می شود که در سال 2008 وارد خاک آمریکا شد.

مایکل سمنکو در یک شرکت مسافرتی کار می کرد.

او در یکی از صفحات شخصی اش در اینترنت، خود را با عنوان فردی «چندزبانه، متخصص در امور روسیه و مسلط به زبان های انگلیسی، چینی ماندارین و اسپانیایی معرفی کرده است.»

زمینه های مورد علاقه آقای سمنکو در صفحه اینترنتی اش «فعالیت های غیرانتفاعی، سیاست های عمومی، وکالت و موسسات آموزشی» عنوان شده است.

پایان پیام.